

تأثیر بهره‌گیری از راهبرد «بسط» در میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌های صفارزاده، مجتبوی و فولادوند از قرآن کریم*

مرضیه رحیمی آذین (نویسنده مسؤول)^۱

مرتضی قائمی^۲

سید مهدی مسبوق^۳

چکیده:

راهبرد «بسط» یکی از تکنیک‌های ارزیابی کیفیت در دیدگاه گارسس مشتمل بر «توضیح، تعریف، بسط نحوی، بسط معنایی، بسط خلاقانه، بسط ساده» بوده که در سه سطح معنایی-واژگانی، نحوی و سبکی آن می‌گنجد و در نهایت میزان ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کفایت و مقبولیت را نقد و بررسی می‌کند. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی از نوع مقابله‌ای، بسامد انواع تکنیک‌های بسط را در سه ترجمه فولادوند با محوریت ترجمه وفادار، مجتبوی با محوریت ترجمه ارتباطی و معنایی، و صفارزاده با محوریت ترجمه آزاد از سوره‌های نبا، تکویر و مطففین بررسی کرده است. سپس با تکیه بر آمار و نمودار، مقادیر به‌دست آمده مقایسه شده و میزان افزوده‌های منفی و مثبت از لحاظ کفایت و مقبولیت مشخص گردیده است. برآیند پژوهش نشان داد افزوده‌ها در سطوح معنایی و نحوی باعث تغییرات فراوانی در سطح سبکی متن ترجمه شده، به طوری که درصد چشم‌گیری در کفایت منفی مشاهده می‌شود. بر اساس الگوی گارسس، ترجمه معنایی مجتبوی در کاربرد راهبرد بسط، به نسبت کفایت مثبت بالایی که دارد، از مقبولیت منفی کمتری برخوردار بوده و کفایت و مقبولیت ترجمه وی بیشتر از دو ترجمه آزاد صفارزاده و وفادار فولادوند می‌باشد.

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم / بسط ترجمه / کفایت و مقبولیت / الگوی گارسس

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰، تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2020.56254.2743

۱. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه بوعلی سینا، نویسنده مسؤول

۲. استاد دانشگاه بوعلی سینا

۳. استاد دانشگاه بوعلی سینا

rahimiazin@chmail.ir

m.qaemi@basu.ac.ir

smm@basu.ac.ir

بیشتر نظریه‌پردازان ترجمه، آن را شاخه‌ای از زبان‌شناسی می‌دانند که تأکید بر انتقال مفاهیم از یک زبان به زبان دیگر دارد. به همین علت ترجمه به‌عنوان یک ابزار ارتباطی، علاوه بر اینکه در تمامی حوزه‌های علمی کاربرد خاص دارد، باید دارای اصولی باشد که بتواند مفاهیم را به‌طور «خوب و قابل قبول» در زبان دوم ارائه دهد و در علوم گسترده انسان کارکرد عملی پیدا کند. بر این اساس با سنجش ترجمه‌ها در علم «مطالعات ترجمه»، نقاط قوت و ضعف ترجمه‌ها به‌منظور بهبود هرچه بیشتر مقبولیت و کیفیت متن ترجمه‌شده، مورد ارزیابی و چالش قرار می‌گیرد. از میان الگوهای ارائه شده، الگوی گارسس تلفیقی از چند نظریه است که برای ارزیابی ترجمه‌ها چهار سطح پیشنهاد می‌کند. بر اساس این الگو آنچه که در نهایت مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، میزان ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت و مقبولیت، بر اساس راهبرد «بسط» در متن مقصد است.

از سبک‌ها و انواع ترجمه‌های قرآن کریم، سه نوع وفادار، معنایی و آزاد یا تفسیری برای بررسی این راهبرد انتخاب شده است. بر اساس تعاریف ارائه شده از سبک‌های ترجمه، به ترتیب ترجمه فولادوند، مجتوبی و صفارزاده به این نوع سبک‌ها نزدیک‌ترند. به‌نظر می‌رسد با توجه به اینکه سه سوره نبأ، تکویر و مطففین حول مسأله رستاخیز و توحید می‌چرخند و شامل آیاتی با فواصل کوتاه و لحن و آهنگ و تصاویر ویژه هستند، می‌توانند در ابعاد چهارگانه واژگان، ساختار نحوی، سبکی و معنایی، نکات ظریف و اشارات قابل توجهی را داشته باشند.

آنچه که در این پژوهش مورد اهمیت است، ارزیابی دقیق و صحیحی از کاربرد تکنیک بسط در سه سطح معنایی، نحوی و سبکی به‌عنوان راهبردی برای ارائه میزان کفایت و مقبولیت هر کدام از ترجمه‌های مد نظر است. بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر می‌باشد:

- ۱- هر کدام از ترجمه‌ها چه بسامدی از کاربرد انواع بسط‌ها به خود اختصاص داده‌اند؟
- ۲- میزان کفایت و مقبولیت کاربرد راهبرد بسط بر اساس ترکیبی از افزوده‌های منفی و مثبت در هر یک ترجمه‌ها چند درصد است؟
- ۳- کدام یک از انواع ترجمه بر اساس بسط‌هایی که دارد، زمینه بیشتری برای حصول کیفیت بهتر را فراهم کرده است؟



۱. پیشینه پژوهش

از میان الگوها و نظریات سنجش کیفیت ترجمه، الگوی گارسس که الگویی جامع است، در زبان فارسی و عربی کمتر مورد توجه قرار گرفته و بیشتر پژوهشگران به الگوی جولیان هاوس که برگرفته از رویکرد نقش‌گرای هالیدی (M. A. K. Halliday) است، توجه ویژه‌ای داشته‌اند. از جمله پژوهش‌هایی که بر اساس الگوی گارسس سامان یافته، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- شهین فرزانه (۱۳۸۷) در پایان‌نامه خود «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین بر اساس مدل گارسس (۱۹۹۴)» هدف اصلی خود را مقایسه ارزیابی چهار ترجمه فارسی رمان یادشده عنوان نموده و به صورت بسامدی، کیفیت ترجمه‌ها را با هم مقایسه می‌کند. همین نویسنده در مقاله «ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان انگلیسی دن کیشوت اثر میگوئل دو سروانتس بر اساس الگوی گارسس» منتشر شده در سال ۱۳۹۲، همین شیوه را پیش گرفته است.

- محمدعلی مختاری اردکانی مقاله‌ای با عنوان «پارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه» (۱۳۷۶)، الگوی گارسس را به‌طور مختصر و در تمامی جوانب آن توضیح می‌دهد.

- عیسی متقی‌زاده و سید علاء نقی‌زاده مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)» (۱۳۹۶) تألیف کرده‌اند که بعد از بررسی برخی از معروف‌ترین الگوهای ارزیابی، ترجمه و الگوی گارسس را توضیح داده و با آوردن شواهدی از متن مورد نظر، تکنیک‌های به‌کار گرفته شده را بررسی نموده‌اند.

- در مقاله «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرم‌رودی از قرآن کریم» (۱۳۹۶)، محمد رحیمی خویگانی یک بخش از این الگو را در نظر گرفته و به صورت نمونه‌ای، کیفیت این ترجمه را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

- در مقاله «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان دل شب بر اساس الگوی گارسس» (۱۳۹۶) نوشته علی صیادانی، سیامک اصغرپور و لیلا خیراللهی، رمان مذکور بر اساس چهار سطح مورد بررسی قرار گرفته است.

در مطالعات ترجمه قرآن کریم که بر اساس الگوی گارسس انجام شده، هیچ پژوهشی به صورت مقابله‌ای و آماری به نقد «بسط»ها در سطوح مختلف برای بیان میزان کفایت ترجمه‌ها نپرداخته است. از این رو در راستای پیشبرد و بهبود ترجمه‌های



کتاب الهی به زبان فارسی، بررسی و تحلیل ترجمه‌ها با سبک‌های متفاوت بر اساس الگوی گارسس امری ضروری به نظر می‌رسد.

۲. الگوی گارسس

از آنجایی که «پیش‌نیاز ارزشیابی کیفیت یک ترجمه وجود یک نظریه ترجمه است» (House, 1997: 1)، هر الگویی برای ارزیابی کیفیت ترجمه بر اساس چهارچوبی نظری پایه‌ریزی شده است. از جمله مهم‌ترین این الگوها می‌توان به الگوهای نیومارک، نایدا (Eugene A. Nida)، وینه و داربنله (Viney & Darbelent)، رایس (Katharina Reiss)، کُلمر (Werner Koller)، جولیان هاوس (Julian House)، بنسون و روزن هاوس (M Bensoussan, J Rosenhouse)، مدل ارزیابی فرحزاد، لاروس (Robert Larose)، الگوی انتوان برمن (Antoine Berman)، مونا بیکر (Mona Baker) و ... اشاره کرد.

از میان الگوهای مطرح‌شده برای بررسی کیفیت ترجمه، الگوی گارسس همه‌جانبه بوده و به گفته مختاری اردکانی، الگوی «جامع الاطرافی» (Polysystemice) است (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۵۸) که تمام جوانب ترجمه و تکنیک‌های آن را در نظر می‌گیرد و در آن به نظریات زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان ترجمه، همچون نیومارک، نایدا، دلیسل، وازکه ایوارا، مونن، نوبرت، سنتویو یا توری توجه دارد. (رشیدی، فرزانه، ۱۳۸۷: ۳۰) از دیگر سو، از میان نظریات مختلف، کارآمدترین و عملی‌ترین تکنیک کیفیت‌سنجی را انتخاب کرده است.

خانم کارمن والرو گارسس (Carmen Valero Garces) سال ۱۹۹۴ میلادی، الگوی پیشنهادی خود را برای ارزیابی ترجمه ارائه کرد و برای مقایسه شباهت‌های میان متن مبدأ و متن مقصد، چهار سطح پیشنهاد می‌کند که به گفته خود او، گاهی این سطوح با هم تداخل دارند. (Garcés, 1994: 79) این چهار سطح بدین قرار است:

۱- سطح معنایی: این سطح به بررسی دامنه‌های دلالی الفاظ و میزان وضوح معانی یک متن می‌پردازد. زیرگروه‌های این سطح عبارت‌اند از: تعریف، معادل فرهنگی (کارکردی)، همانندسازی، بسط نحوی، قبض نحوی یا کاهش، کاربرد واژه خاص به جای واژه عام یا بالعکس، ابهام، ترجمه قرضی (گرفته‌برداری).

۲- سطح نحوی-واژه‌ساختی: در این سطح مترجم باید آن عناصر نحوی را که نمی‌توانند بر اساس تطابق یک به یک نحوی ترجمه کند، هماهنگ سازد. (Ibid, 80) زیرگروه‌های این سطح عبارت‌اند از: ترجمه تحت‌اللفظی، تغییر نحو یا صورت، تغییر دیدگاه یا بیان، جبران، توضیح (بسط معنا)، تلویح، تقلیل، حذف، تغییر در نوع جمله.

۳- سطح گفتمانی-کارکردی: در این سطح به ساختار ایدئولوژیک متن مبدأ و نحوه ترجمه آن به زبان مقصد می‌پردازد. زیرگروه‌های این سطح عبارت‌اند از: حذف منظور نویسنده، حذف حواشی، تغییر به علت اختلاف اجتماعی-فرهنگی، تغییر لحن، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای.

۴- سطح سبکی-منظورشناختی: همچنان که در سطح منظورشناختی به لایه‌های کاربردی و زیبایی‌شناختی توجه می‌شود، بعد کاربردی زبان به بررسی کلام میان متکلم و مخاطب می‌پردازد. (صیادی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۲۴۰) زیرگروه‌های این سطح عبارت‌اند از: بسط خلأقانه، اشتباه مترجم، حفظ اسامی خاص با معادل در متن مقصد، حفظ ساختارهای زبان مبدأ، کاربرد اصطلاحات نامناسب در متن مقصد، بسط ساده، تغییر در کاربرد صنایع بلاغی با توجه خاص به استعاره.

بر اساس این الگو آنچه که در نهایت مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، میزان ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت «کفایت و مقبولیت» در متن مقصد است؛ «کفایت و مقبولیت رابطه مستقیمی با ویژگی‌های مثبت و رابطه معکوس با ویژگی‌های منفی دارند. میزان کفایت در حقیقت انطباق عناصر زبانی در دو زبان مبدأ و مقصد و میزان دقت مترجم در رساندن پیام مورد نظر و مقبولیت میزان قابل قبول بودن از سوی خوانندگان زبان مقصد است.» (رشیدی، فرزانه، ۱۳۹۲: ۵۴) تکنیک‌هایی که در بخش ویژگی‌های مثبت کفایت و کارآیی و مقبولیت قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: معادل فرهنگی، همانندسازی، بسط نحوی، جبران، تغییر نحو یا صورت، تغییر دیدگاه یا بیان، توضیح یا بسط معنا، حذف، تغییر به علت تفاوت‌های اجتماعی-فرهنگی، حفظ صنایع بلاغی. تکنیک‌هایی که در بخش ویژگی‌های منفی کفایت و مقبولیت قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: ابهام، ترجمه قرضی، ساده کردن، ترجمه تحت‌اللفظی، نارسایی در مفهوم معادل‌ها، تغییر لحن، تغییر در ساختار درونی، تصرف (کاهش)، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، قبض نحوی یا کاهش، حفظ ساختارهای متن مبدأ، بسط خلأقانه، بسط ساده، اشتباه مترجم، حذف یا تغییر صنایع بلاغی. گارسس برخی از تکنیک‌ها را در



بخش ویژگی‌های خشتی جای می‌دهد و معتقد است که این تکنیک‌ها دارای دو جنبه ویژگی‌های مثبت و منفی کفایت و مقبولیت هستند. این تکنیک‌ها شامل تغییر در نوع جمله، حفظ اسم‌های خاص با معادل در متن مقصد و تعریف می‌شود. (Garcés, 1994: 89)

پژوهش حاضر در پی آن است تا تأثیر استفاده از تکنیک‌های «بسط» را در میزان کفایت و مقبولیت قرآن کریم بررسی کند. بنابراین از میان این سطوح، فقط تکنیک‌های بسط و افزوده‌ها مورد توجه است. این راهبردها شامل تکنیک ۱- توضیح، تعریف، ۲- بسط نحوی در سطح معنایی و واژگانی، ۳- بسط معنایی در سطح نحوی، ۴- بسط خلأقانه و ۵- بسط ساده در سطح سبکی می‌شود. از میان این تکنیک‌ها، سه مورد اول باعث مقبولیت و کفایت مثبت شده و دو تکنیک اخیر موجب کفایت و مقبولیت منفی می‌شود. همچنین از آنجایی که کاربرد این تکنیک‌ها با روش‌ها همپوشانی دارد، برای بررسی عمیق‌تر کفایت این سطوح، به میزان همپوشانی و نوع آنها اشاره و به‌صورت بسامد ارائه خواهد شد.

۳. کاربست «بسط»ها

۱-۳. تعریف یا توضیح (Definition or addition)

تعریف بیان معنای واژه است به‌صورت عبارت اسمی یا شبه‌جمله صفتی. (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۵۰) در زبان فارسی مواردی چون ترکیب وصفی، ترکیب اضافی و جمله پیرو را می‌توان از این دست دانست. این بخش با وفور واژگانی همپوشانی دارد. توضیح، افزودن اطلاعاتی است که به دلیل اختلافات فرهنگی و زبانی و اختلاف در سطح دانش میان مخاطب متن اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند. (Garcés, 1994: 80) این دو روش هرچند به هم نزدیک بوده و در الگوی گارسس در یک بخش قرار گرفته‌اند، اما تفاوت‌هایی در تعاریف و ساختار با هم دارند و برای نقد دقیق‌تر، به‌طور جداگانه بررسی می‌گردد.

۱-۱-۳. تعریف

به جز واژگانی که بار فرهنگی دارند، برخی از تعاریف مربوط به واژگانی می‌شود که بر اساس ساختار صرفی و در بافت متن معنایی خاص می‌گیرند. در خصوص تمامی

واژگان مذکور همه مترجمان دست به تعریف نمی‌زنند، گاهی از تکنیک‌های دیگری چون توضیح، تصریح، بسط معنا و بسط نحوی استفاده می‌کنند. در این راهبرد هیچ یک از مترجمان دچار تکنیک منفی نشده‌اند.

جدول ۱: ارائه نمونه‌هایی از تعریف واژگان توسط مترجمان

واژه قرآنی	تفسیر / معنای لغوی	مترجم	ترجمه	روش تعریف
الْعِشَارُ (تکویر: ۴)	شتر ماده‌ای که ده ماه حملش به پایان آمده و بارزش‌ترین شتر در میان عرب‌هاست	فولادوند	شتران ماده	ترکیب وصفی
		مجتبوی	شتران آبستن	ترکیب وصفی
		صفارزاده	شترهای باردار	ترکیب وصفی
مَعَاثًا (نبأ): (۱۱)	- غذا و هر آنچه آدمی با آن زنده می‌ماند و زندگی می‌کند؛ مانند نان - هم مصدر و هم اسم زمان	فولادوند	[برای] معاش [شما]	بسط نحوی
		صفارزاده	- زمان کسب و کار و کوشش - برای فراهم نمودن وسایل زندگی	ترکیب اضافی + توضیح
الْخُنَّسِ (تکویر: ۱۵)	أَخْنَسَتْ: او را پشت سر گذاشت. خُنَّس: همه ستارگان، چرا که در تاریکی فرو می‌روند و یا در روشنایی روز پنهان می‌شوند.	فولادوند	اختران گردان	ترکیب وصفی
		مجتبوی	ستارگان بازگردنده	ترکیب وصفی
		صفارزاده	ستارگانی که [هنگام روز] بازگشت می‌کنند و دور می‌شوند	شبه جمله صفتی (جمله پیرو)
الْأَرَائِكِ (مطففین: ۲۳ و ۳۵)	جمع آریکه، حجله‌ای که بر رویش تخت نهاده‌اند.	مجتبوی	تخت‌ها [ی آراسته]	ترکیب اضافی
		صفارزاده	نیمکت‌هایی پایه بلند	ترکیب اضافی

جدول ۲: بسامد واژگان تعریف شده توسط هر مترجم

بسامد واژگان	بسامد هر مترجم	مترجم	بسامد روش‌ها
۱۹ واژه	۱۶ واژه	صفارزاده	۱۳ واژه: ترکیب اضافی اشراب‌شده / ۳ واژه: جمله پیرو
	۱۵ واژه	فولادوند	۱۵ واژه: ترکیب اضافی اشراب‌شده / یک مورد: داخل گروه
	۱۳ واژه	مجتبوی	۱۳ واژه: ترکیب اضافی اشراب‌شده

۳-۱-۲. توضیح

در پاسخ به این پرسش که در ترجمه متون دینی چه نوع مفهوم ضمنی و تا چه حد باید توضیح داده شود، می‌توان گفت هر مفهوم ضمنی که آشکارا بیان می‌شود، باید در



حد وفاداری به متن اصلی، در جهت توضیح مطلب و رفع ابهام و به منظور طبیعی کردن زبان ترجمه و مطابقت دادن آن با زبان مورد استفاده خوانندگان باشد. (منافی اناری، ۱۳۸۳: ۴۹)

توضیحات داخل ترجمه‌ها شامل چند نوع می‌گردد:

- ۱- ترجمه واژه و عبارت یا اصل واژه به همراه توضیح آن (ترجمه + توضیح).
 - ۲- اصل واژه مبهم به همراه تصریح آن بعد از ایجاد یک فاصل با کمانک، دو خط، گروه (ترجمه + تصریح فاصله‌دار).
 - ۳- توضیح بدون بیان کردن ترجمه یا اصل واژه (بسط معنایی یا توضیح) (با تکنیک بسط معنایی همپوشانی دارد).
 - ۴- ارتباط میان کلام الهی با استفاده از توضیح آیات پیشین (ارتباطدهی آیات به وسیله توضیح).
 - ۵- ترجمه چند تفسیر با هم (ارائه چند تفسیر).
 - ۶- افزودن عبارتی بر ترجمه اصلی - هر چند ابهامی نداشته باشد- (توضیح).
به جز مورد دوم، تمامی توضیحات می‌تواند اشراپ شده در متن یا داخل کمانک، گروه، دو خط فاصل و یا در پاورقی بیان شود. در برخی از توضیحات، مترجم دچار تکنیک‌های منفی چون ابهام، تغییر در نوع جمله، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ، اشتباه مترجم و تغییر در کاربرد استعاره شده است.
- ترجمه صفارزاده با سبکی تفسیری، در بسیاری موارد به توضیحات تکیه دارد. وی در استفاده از توضیحات از یک روش متحد استفاده نمی‌کند؛ گاهی ابهام را توضیح می‌دهد و گاهی برعکس، گاهی توضیحات را داخل در متن می‌کند و گاهی با گروه، دوخط فاصل یا کمانک آنها را جدا می‌کند. وی در برخی موارد از پاورقی استفاده کرده است.

جدول ۳: ارائه نمونه‌هایی از راهبرد توضیح توسط مترجمان

روش توضیح	ترجمه	مترجم	تفسیر / معنای لغوی	واژه قرآنی
بسط معنایی	اشاره چشم و ابرو با هم رد و بدل می‌کردند	فولادوند	«غمز بعینه»: اشاره کرد. در باب تفاعل: به یکدیگر اشاره کردن.	وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَرُونَ (مطففین: ۳۱)
بسط معنایی + تصریح (فاصله دار)	به یکدیگر چشمک می‌زدند - با چشم و ابرو به طعنه و مسخره اشاره	مجتبوی	آنها با ابرو و چشم برای تمسخر مؤمنان به هم اشاره	

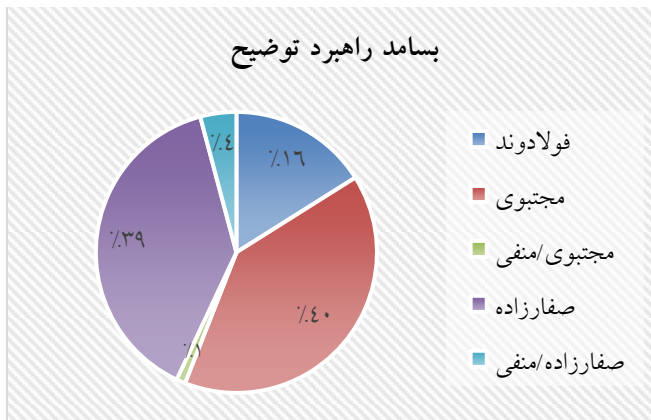
	می‌کنند		می‌کردند-
	صفارزاده	با چشم و ابرو به هم اشاره می‌کردند و آنان را مورد استهزاء قرار می‌دادند	توضیح (اشراب‌شده)
	فولادوند	گهواره‌ای	-
الْم نَجْعَلِ الْأَرْضَ مَهَادًا (نبا: ۷)	مجتبوی	بستر و قرارگاه	بسط معنایی (اشراب‌شده)
	صفارزاده	مکانی وسیع برای زندگی و آسایش شما	توضیح واژه (اشراب‌شده)
	فولادوند	[چون] میخ‌هایی	-
وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (نبا: ۸)	مجتبوی	میخ‌هایی - تا زمین بدان استوار باشد و نجنبند-	ترجمه+توضیح (داخل دو خط فاصل)
	صفارزاده	میخ‌های محکمی برای حفظ شما و زمین از لرزش	ترجمه+توضیح (اشراب‌شده)
	فولادوند	آن [فرشته وحی]	ترجمه+تصریح (داخل کروشه)
بِالْفُوقِ الْمُبِينِ (تکویر: ۲۳)	مجتبوی	او- یعنی جبرئیل- / افق روشن- کناره جهان برین-	ترجمه+تصریح (داخل دو خط فاصل)
	صفارزاده	جبرئیل امین	-
وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (نبا: ۱۹)	فولادوند	درهایی [پدید] شود	-
	مجتبوی	پس دره‌ایی گردد	-
	صفارزاده	به‌صورت مرکزی برای دره‌ای گوناگون درمی‌آید برای نزول فرشتگان	توضیح (اشراب‌شده)

جدول ۴: بسامد راهبرد توضیح توسط هر مترجم

مترجم	بسامد	حداکثر روش توضیح	حداقل روش توضیح	تداخل با تکنیک منفی
فولادوند	۱۸	ارتباطدهی آیات (داخل کروشه)	توضیح بدون ترجمه	ابهام/ حذف تشبیه
مجتبوی	۶۴	توضیح همراه ترجمه (داخل کروشه و دو خط)	ارائه چند تفسیر	۳ مورد تغییر صنایع بلاغی
صفارزاده	۶۷	توضیح همراه ترجمه، ارتباطدهی آیات، (اشراب‌شده در متن)	تصریح با فاصل از متن	۸ مورد تغییر صنایع بلاغی

نمودار ۱: میزان کاربرد دو تکنیک تعریف و توضیح و میزان تداخل آنها با تکنیک‌های

منفی



بر اساس نمودار اگرچه صفارزاده بیش از دو مترجم دیگر به این دو تکنیک تکیه دارد، اما به همان میزان، اشتباه و کاربرد تکنیک منفی هم در آن بیشتر است.

۲-۳. بسط نحوی (Grammatical Expansion)

افزودن یک یا چند کلمه به ترجمه بر حسب ضرورت. مترجم در مواردی از قبیل ضمایر و اشاره‌های مجازی و کنایه‌ها که با توجه به سیاق متن در تقدیر گرفته می‌شود، در ترجمه تصریح می‌کند. (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۵۱) این راهبرد به چند طریق انجام می‌گردد:

۱- به دلیل ضرورت نحوی و رفع ابهامی که در چینش کلمات یا مفهوم متن مبدأ وجود دارد، ناگزیر به افزودن واژه‌ای بر اساس دستور زبان مقصد که گاهی نقش واژه تغییر می‌کند (ضرورت نحوی).
۲- نقشی را در جمله که در متن مبدأ به صورت مجمل یا علامت بسط دهد (بسط مجمل).

۳- با افزودن عبارات و کلمات آیات را به هم ارتباط دهد (ارتباطدهی آیات به وسیله واژگان).

۴- یک تک‌واژه را به صورت توضیحی ترجمه کند (توضیح تک‌واژه).

برخی موارد در این تقسیم‌بندی همپوشانی و یا با تکنیک‌های دیگری چون بسط معنایی، تداخل دارند.



جدول ۵: ارائه نمونه‌هایی از بسط نحوی واژگان توسط مترجمان

روش بسط نحوی	ترجمه	مترجم	تفسیر / معنای لغوی	واژه قرآنی
ضرورت نحوی (داخل کروش)	[به صورت] کتابی در آورده‌ایم	فولادوند	ابهام نحوی «کتاباً»: ۱- مفعول مطلق، ۲- منصوب به نزع خافض، ۳- شمارش به صورت نوشتاری است.	وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا (نبا: ۲۹)
ضرورت نحوی (اشراب شده)	در نوشته‌ای	مجتبوی		
ضرورت نحوی (اشراب شده)	در دفتر ثبت فرموده‌ایم	صفارزاده		
**ضرورت نحوی (داخل کروش)	*در نعیم [الهی] *بر تخت‌ها [نشسته] می‌نگرند.	فولادوند	*«نَعِيم»: نعمت فراوان، نکره بودن آن دلیلی برای عظمت نعمت است.	إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يُنظَرُونَ (مطففین: ۲۲-۲۳)
*	*در نعمت‌هایی فراوانند.	مجتبوی	* «عَلَى الْأَرَائِكِ» متعلق به فعلی محذوف. حذف متعلق «يُنظَرُونَ» (ابهام نحوی).	
*ضرورت نحوی (داخل کروش)	*بر تخت‌ها [تکیه زده] می‌نگرند- به هر چه بخواهند-	صفارزاده		
*	*در بهشت پرنعمت *بر نیمکت‌هایی پایه بلند، تکیه زده و به جمال نعمت‌های الهی خیره می‌نگرند.			
ضرورت نحوی (داخل کروش)	[مایه] آسایش	فولادوند	«سُبَات»: خواب و در اصل یعنی راحتی. در این آیه عین خواب، راحتی است.	وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (نبا: ۹)
ضرورت نحوی (اشراب شده)	مایه آسایش و راحتی	مجتبوی		
ضرورت نحوی (اشراب شده)	مایه استراحت و آرامش شما	صفارزاده		

جدول ۶: بسامد راهبرد بسط نحوی توسط هر مترجم

مترجم	بسامد	حداکثر روش بسط نحوی	حداقل روش بسط نحوی	تداخل با تکنیک منفی
فولادوند	۳۴	ضرورت نحوی (داخل کروش)	بسط تک‌واژه	۸ مورد تغییر صنایع بلاغی و ۲ مورد تغییر نوع جمله
مجتبوی	۲۳	ضرورت نحوی (داخل کروش و دوخط)	بسط تک‌واژه، بسط نقش نحوی مجمل	یک مورد تغییر استعاره و یک مورد تغییر نوع جمله
صفارزاده	۲۷	رفع ابهام نحوی (اشراب شده در متن)	بسط تک‌واژه	۳ مورد تغییر صنایع، ۴ مورد تغییر نوع جمله، یک مورد

۳-۲-۱. تصریح

از آنجایی که بخش بزرگی از بسط نحوی شامل شفاف‌سازی اشارات و کنایات می‌شود، تصریح می‌تواند سهم مهمی در تکنیک بسط واژگان داشته باشد. این روش شامل موارد زیر می‌شود:

۱- تصریح ضمیر متصل یا مستتر به منفصل و یا تصریح تمام ضمایر به اسم: «وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ * وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ * وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ» (تکویر: ۲۵-۲۳) - و هر آینه او- یعنی جبرئیل - را در افق روشن- کناره جهان برین- دیده است و او بر غیب- وحی- بخیل نیست- که چیزی از آن بکاهد و ناگفته بگذارد. و آن سخن شیطان رانده شده نیست. (مجتبوی)

- و او در دامنه افق جبرئیل امین را به وضوح مشاهده کرده است؛ [و این ادعای او نادرست نیست] پیامبر شما در رساندن کلام وحی از عالم غیب بخل نمی‌ورزد و چیزی را پنهان نمی‌دارد. و این قرآن به هیچ وجه آمیخته با کلمات شیطان رانده شده نیست. (صفارزاده)

۲- تصریح مکنی عنه در کنایات و یا تصریح مجاز عنه در انواع مجازها: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا» (نبا: ۶)

- آیا ما زمین را مکانی وسیع برای زندگی و آسایش شما قرار ندادیم؟ (مجتبوی)

جدول ۷: بسامد راهبرد تصریح توسط هر مترجم

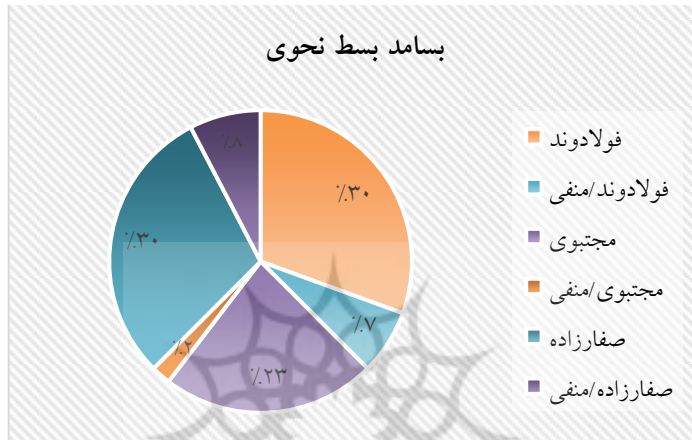
مترجم	بسامد	تصریح ضمیر	تصریح اسم	تصریح مجاز و کنایه	تداخل با تکنیک منفی
فولادوند	۲۰	۱۳	۲	۵	-
مجتبوی	۱۳	۱۱	-	۲	یک مورد تغییر استعاره
صفارزاده	۲۷	۱۴	۱۰	۱۲	سه مورد تغییر صنایع بلاغی

اگرچه ترجمه فولادوند بیشترین بسط نحوی را داراست، اما صفارزاده با وجود تغییرات نحوی کمتر، تغییرات و تکنیک‌های منفی بیشتری را به خود اختصاص داده است. از دیگر سو، وفاداری ترجمه فولادوند یکی از دلایل کثرت در کاربرد تکنیک بسط نحوی است؛ چه اینکه به جای توضیح سعی دارد با افزودن واژگانی و تغییرات نحوی جزئی و آن هم غالباً در داخل گروه به رفع ابهام پردازد. همچنین از آنجایی



که مجتبی غالب افزوده‌های خود را درون متن بیان نمی‌کند، کمتر از تکنیک تصریح استفاده کرده است؛ هرچند وی افزوده‌هایی بسیار فراوان‌تر از فولادوند دارد، اما فولادوند در تلاش است تصریح واژگان و عبارات را جایگزین اصل کند و از تکرار بپرهیزد. به بیان دیگر، مجتبی بعد از ترجمه متن، تصریح عبارت را درون دوخط فاصل و کרוشه بیان می‌کند که این تکنیک در بسط معنایی و توضیح موضوعیت دارد.

نمودار ۲: بسامد بسط نحوی و تصریح و تداخل آن با تکنیک‌های منفی



۳-۳. توضیح یا بسط معنا (Explanation or expansion of the meaning)

در این بخش، قسمتی از متن که باید تصریح شود، توضیح یا بسط معنایی می‌یابد، به‌خصوص در ترجمه لغاتی که خاص یک فرهنگ هستند، روشی متداول به حساب می‌آید. وقتی در فرهنگی برحسب ضرورت به موضوعی خاص توجه پیدا می‌شود «وفور واژگان» پیدا می‌شود. مثلاً انگلیسی‌ها لغات زیادی در مورد چوگان دارند، عرب‌ها در خصوص شتر، اسکیموها در مورد برف و ... در ترجمه این لغات به زبان‌هایی که فاقد این لغات هستند، بسط معنایی ضرورت پیدا می‌کند. گاهی بسط یا افزودن نام مشخص‌کننده نوع صورت می‌گیرد. (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۵۵) این تکنیک شامل موارد متعددی می‌شود:

- ۱- افزودن واژه یا عبارتی به همراه متن اصلی یا ترجمه آن برای رفع ابهام (رفع ابهام به همراه متن اصلی) (همپوشانی با بسط نحوی).
- ۲- تصریح واژه همراه مصرح‌عنه خود بدون اینکه میان این دو فاصلی باشد (تصریح اشرا ب‌شده).



۳- توضیح یک بخش مبهم از متن مبدأ (توضیح بدون ترجمه) (همپوشانی با توضیح).

۴- علائم سجاوندی برای روشنگری معنا (علائم سجاوندی).

۵- بیان معنای دقیق‌تر یا معنای دوم بعد از ترجمه (ارائه دو معنا).

جدول ۸: ارائه نمونه‌هایی از بسط معنایی توسط مترجمان

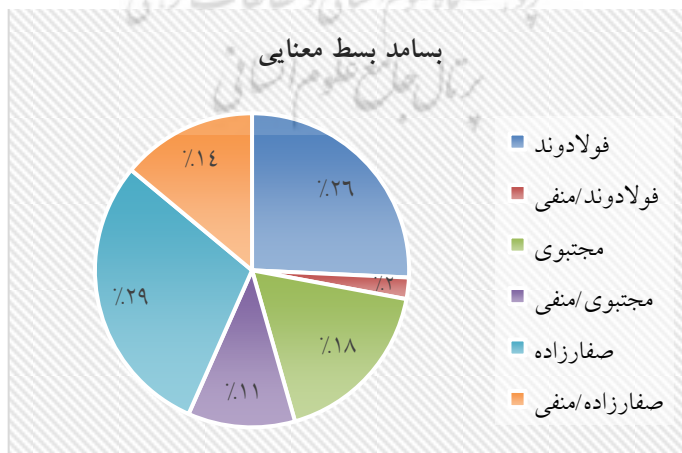
واژه قرآنی	تفسیر / معنای لغوی	مترجم	ترجمه	روش بسط معنا
جَزَاءً وَفَاءً (نبا: ۲۶)	وفاق: موافقت و همراهی. هم می‌تواند صفت برای جزاء باشد، و هم می‌تواند مضاف الیه بنا بر تقدیر کلمه «ذا» باشد.	فولادوند	مناسب [با جرم آنها]	رفع ابهام به همراه متن اصلی (داخل گروه)
		مجتبوی	فراخور [کارهای آنان]	رفع ابهام به همراه متن اصلی (داخل گروه)
		صفارزاده	مناسب اعمال و افکار آنها در دنیا	رفع ابهام به همراه متن اصلی (اشراب‌شده)
إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (نبا: ۲۱)	مکان کمین گرفتن، اسم مکان	صفارزاده	کمینگاه و محل تحت نظر قرار دادن کافران	تصریح اشراب‌شده
إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ * وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (تکویر: ۲۱-۲۰)	* تکویر المتاع: جمع کردن و بستن کالا. کنایه از رفتن نور خورشید * انْكَدَرَتْ: کدر شدن، استعاره از «از بین رفتن و تاریک شدن»	مجتبوی	* درهم پیچیده و بی‌نور شود. * تیره گردند و فرو ریزند.	* رفع ابهام به همراه متن اصلی (اشراب‌شده) * رفع ابهام به همراه متن اصلی (اشراب‌شده)
		صفارزاده	* درهم پیچیده و تاریک شود * بی‌نور شوند	* رفع ابهام به همراه متن اصلی (اشراب‌شده) -
يَشْهَدُهُ الْمُفْرَبُونَ (مطففین: ۲۱)	از واژه شهود به معنای دیدن با چشم است.	مجتبوی	حاضر و گواهند	ارائه دو معنا (اشراب‌شده)
		صفارزاده	نظارت دارند و گواهی می‌دهند	ارائه دو معنا
* إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ (نبا: ۴۰) * وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (تکویر: ۲۹)		فولادوند	* ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم: روزی که ... * و تا خدا، پروردگار جهان‌ها، نخواهد ...	* علائم سجاوندی علامت (:) «یَوْمَ ...» در توضیح «عَذَابًا» است. * علائم سجاوندی «،» نشانگر این است که «رَبُّ» بدل از «اللَّهُ» است.

«وفور واژگانی» در زبان عربی مدلول‌های فراوانی به‌ویژه در رابطه با انواع اصطلاحات و واژگان مربوط به حیوانات بیابانی و یا زندگی عشیره‌ای دارد. از جمله «المعصرات، الموءدة، الكواعب، العشار، الخنّس و...» که مترجمان در همه موارد از دو شیوه تعریف یا افزودن نام مشخص‌کننده نوع استفاده کرده‌اند. فولادوند و مجتبی‌ی افزوده‌های معنایی خود را از متن ترجمه جدا کرده‌اند، برخلاف صفارزاده که درون متن ترجمه‌شده به بسط معنایی پرداخته است. البته فولادوند بیشتر از مجتبی‌ی مبدأگرا بوده و کمتر از افزوده‌های معنایی استفاده می‌کند؛ چه اینکه به همین علت کاربرد علائم سجاوندی در ترجمه وی بیشتر است.

جدول ۹: بسامد راهبرد بسط معنایی توسط هر مترجم

متراجم	بسامد	حداکثر روش بسط معنا	حداقل روش بسط معنا	تداخل با تکنیک منفی
فولادوند	۳۸	رفع ابهام به همراه متن اصلی (داخل گروه)	توضیح بدون ترجمه	دو مورد تغییر صنایع بلاغی، یک مورد تغییر نوع جمله
مجتبی‌ی	۳۹	تصریح همراه مصرح عنه	توضیح بدون ترجمه و علائم سجاوندی	هفت مورد تغییر صنایع بلاغی و هشت مورد تغییر نوع جمله
صفارزاده	۵۹	رفع ابهام به همراه متن اصلی (اشراب‌شده در متن)	علائم سجاوندی، ارائه دو معنا	یازده مورد تغییر صنایع بلاغی، هشت مورد تغییر نوع جمله

نمودار ۳: بسامد بسط معنایی در ترجمه‌ها و میزان تداخل آنها با تکنیک‌های منفی





۳-۴. بسط خلاقانه (Creative expansion)

تغییرات ظریف و زیبایی که مترجم طبق ذوق و پسند خود به وجود می آورد. مترجم سبکی را برمیگزیند که برای او طبیعی تر است یا میل او را اقناع می کند. (Garcés, 1994: 83) از آنجایی که گارسس این تکنیک را منفی با میزان کیفیت و مقبولیت پایین به شمار می آورد، منظور از خلاقیت، تغییراتی است که مترجم بر اساس سلیقه و سبک خود و نه با توجه به متن مبدأ ایجاد می کند. افزوده‌هایی که بدون هدف و در جهت نمود بیشتر متن از طرف مترجم به کار می رود، بسط خلاقانه است که در ترجمه صفارزاده به وفور یافت می شود: «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا* حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا* وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا* وَكَأَسَا دِهَاقًا» (نبا: ۳۲-۳۴)

[در همین روز که کافران در عذاب جهنم هستند نیکوکاران به سرنوشت موعود الهی می‌رسند:] همانا برای پرهیزکاران زندگی در بهشت، توفیقی بزرگ است. اهل بهشت در میان باغ‌های میوه و تاکستان‌ها زندگی می‌کنند.* و حوریان جوان هم سن و سال از آنها پذیرایی می‌کنند. جام‌های لبریز از نوشیدنی پاک و عالی را می‌گردانند. در برخی موارد افزوده‌ها باعث اشتباه در ترجمه شده است؛ «حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا» بدل از «مَفَازًا» و در توضیح آن است و نه یک جمله دیگر. ضمن اینکه «اهل بهشت در میان باغ‌های میوه و تاکستان‌ها زندگی می‌کنند» از افزوده‌های خلاقانه مترجم است. همچنان که «كَوَاعِبَ أَتْرَابًا* وَكَأَسَا دِهَاقًا» معطوف به «حَدَائِقَ» بوده و در تفصیل «مَفَازًا» است. گاهی مخاطب قول الهی را بدون اینکه جمله نیازی به تصریح آن داشته باشد، مشخص می‌کند: «وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ... فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ» (تکویر: ۲۲ و ۲۶) ای مردم این سرپرست شما [به هیچ وجه] دیوانه نیست. پس ای مردم به کدام سو رو می‌برید؟ (صفارزاده)

جدول ۱۰: بسامد بسط خلاقانه در سه ترجمه

مترجم	بسامد	تداخل با دیگر تکنیک منفی
فولادوند	۱	-
مجتبوی	-	-
صفارزاده	۲۲	پنج مورد اشتباه مترجم، پنج مورد تغییر مقصود نویسنده، یک مورد تغییر ساختار درونی

۳-۵. بسط دادن در برابر ساده کردن (Elaboration versus Simplification)

پرگویی یا بسط در برابر ساده‌گویی، «آخرین چاره مترجم است». توری به این روش «نقل به معنا» (Paraphrase) می‌گوید و خاطر نشان می‌سازد که میان این روش (که شامل بسط قابل ملاحظه متن اصلی می‌شود) و افزایش (که ترجمه را به بازآفرینی تبدیل می‌کند)، مرزی مشخص وجود ندارد. (Ibid) گارسس آن را در زمره تکنیک‌های منفی به‌شمار آورده و معتقد است این تکنیک دارای سه روش است:

۱- تکرار معانی به‌وسیله واژگان و عبارات قریب‌المعنا و یا واژگانی که بار معنایی یکسانی داشته و جمله را پیچیده می‌کنند و هیچ نوع رفع ابهام یا شفاف‌سازی در پی آن نیست. بیشترین «پرگویی» همچون بسط خلأقانه، در ترجمه مقصدمحور صفارزاده ایجاد شده است: «كَلَّا سَيَعْلَمُونَ» (نبأ: ۴)، «الَّذِينَ يُكذِّبُونَ يَوْمَ الدِّينِ * ... إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (مطففین: ۱۱، ۲۲)

[آنچه کافران می‌گویند] درست نیست، به‌زودی متوجه اشتباه خود خواهند شد و خواهند فهمید

... تکذیب‌کنندگان و منکران روز جزا ... نیکان و نیکوکرداران در بهشت پرنعمت هستند. (صفارزاده)

۲- اظهار واژه‌ای که به اعتبار ذکر آن در آیات قبل، محذوف است: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا* وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا» (نبأ: ۶-۷)

آیا زمین را گهواره‌ای نگردانیدیم؟ و کوه‌ها را [چون] میخ‌هایی [نگذاشتیم]؟ (فولادوند) (اگرچه ترجمه فعل از متن اصلی جدا شده، اما علامت سؤال نشان‌دهنده عطف جمله است که تکرار آن باعث اطناب می‌شود).

آیا ما زمین را مکانی وسیع برای زندگی و آسایش شما قرار ندادیم؟ و کوه‌ها را میخ‌های محکمی برای حفظ شما و زمین از لرزش ایجاد نفرمودیم؟ (صفارزاده)

۳- اطناب و تفصیل در ترجمه که در برخی موارد با تکنیک بسط خلأقانه همپوشانی دارد: «وَيُلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ* الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ* وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ* أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ* لِيَوْمٍ عَظِيمٍ» (مطففین: ۵-۱)

وای بر کم‌فروشان خدعه‌گر سودجو! همان کسانی که وقتی چیزی را برای خود می‌خرند، متاع را توسط فروشنده با دقت وزن می‌کنند و به‌طور کامل دریافت می‌دارند. اما وقتی به‌عنوان فروشنده می‌خواهند جنسی را وزن کنند و پیمانانه دهند، از حق مردم



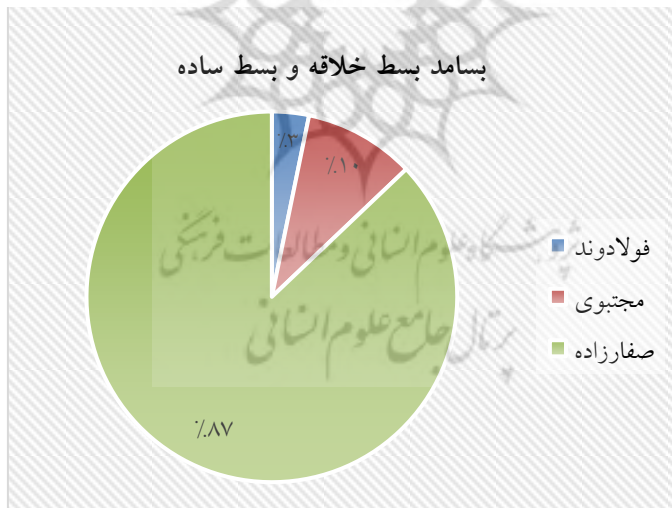
خریدار [در وزن و پیمانه] کم می گذارند. آیا آنها عقیده ندارند که قیامت فرا می رسد [و از گور برانگیخته می شوند و برابر اعمالشان جزا داده می شوند] و این واقعه در روزی بزرگ اتفاق می افتد. (صفارزاده)

اگر چه مترجم سعی دارد حق مطلب را ادا بکند، اما دچار اطناب شده و جمله را پیچیده کرده است. این افزوده ها باعث اشتباه در ترجمه آیه آخر شده است؛ «لِیَوْمٍ عَظِيمٍ» متعلقی برای «مَبْعُوثُونَ» و در توضیح آیه قبل است و نه جمله منفصل از آن.

جدول ۱۱: بسامد بسط ساده در سه ترجمه

مترجم	بسامد	حداکثر روش پرگویی	حداقل روش پرگویی	تداخل با تکنیک منفی
فولادوند	۱	-	-	-
مجتبوی	۶	تکرار (اشراب شده در متن)	اطناب	-
صفارزاده	۱۹	تکرار (اشراب شده در متن)	اظهار واژه محذوف	یک مورد تغییر صنایع، یک مورد اشتباه

نمودار ۴: بسامد بسط خلأقانه و بسط ساده در ترجمه ها



۴. یافته های پژوهش

راهبرد «بسط» در الگوی گارسس که مشتمل بر تکنیک های ۱- توضیح و تعریف، ۲- بسط نحوی در سطح معنایی و واژگانی، ۳- بسط معنایی در سطح نحوی، ۴- بسط

خلاقانه و ۵- بسط ساده در سطح سبکی است، در سه ترجمه فولادوند با محوریت سبک وفادار، مجتبی با محوریت ترجمه معنایی، و صفارزاده از نوع آزاد از سه سوره مبارکه نبأ، تکویر و مطفین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده به شرح زیر است:

۱- در سطح معنایی - واژگانی بسامد توضیحات بیشتر از تعریف و بسط نحوی است. ترجمه صفارزاده بالاترین درصد در تکنیک توضیح را داراست. مجتبی با سبک معنایی و فولادوند با ترجمه وفادار، کمتر از این تکنیک استفاده کرده‌اند. از دیگر سو، میزان تداخل با تکنیک‌های منفی در توضیحات و تعاریف صفارزاده بیش از دو مترجم دیگر است. وفاداری ترجمه فولادوند یکی از دلایل کثرت در کاربرد تکنیک بسط نحوی است. وی با افزودن واژگانی و تغییرات نحوی جزئی، غالباً در داخل گروه رفع ابهام می‌کند. مجتبی غالب افزوده‌ها را از متن جدا کرده و کمتر از تکنیک تصریح استفاده نموده است و به همین علت، در بسط نحوی بسامد کمتری در ترجمه وی مشاهده می‌شود.

۲- در سبک نحوی، صفارزاده با استفاده از رفع ابهام به همراه متن اصلی، بالاترین بسامد بسط معنایی را داراست و تفاوت میان میزان کاربرد وی با دو مترجم دیگر وجود دارد. از طرف دیگر، بیشترین فراوانی در تداخل با تکنیک‌های منفی را هم به خود اختصاص داده است.

۳- بالاترین درصد تکنیک بسط خلاقانه و بسط ساده در سطح سبکی همچون بیشتر موارد به ترجمه آزاد صفارزاده مربوط است. تفاوت کاربرد این دو راهبرد در ترجمه صفارزاده با ترجمه‌های مجتبی و فولادوند بسیار چشمگیر است.

۴- به طور کلی اگرچه ترجمه صفارزاده در سطح معنایی و نحوی کفایت بالایی دارد، اما بالاترین درصد را در کفایت منفی سطح سبکی به خود اختصاص داده است. افزوده‌ها در سطوح معنایی و نحوی باعث تغییرات فراوانی در سطح سبکی متن ترجمه شده است، به طوری که فاصله چشمگیری در کفایت منفی مشاهده می‌شود. از دیگر سو، این تغییرات غالباً در متن ترجمه اشراب شده و نمی‌توان با متن اصلی تمایز ایجاد کرد. در حالی که تغییرات مجتبی با استفاده از گروه و دوخط فاصل جدای از ترجمه است؛ همان گونه که تغییرات اندک فولادوند داخل گروه است. بر این اساس ترجمه معنایی مجتبی به نسبت کفایت مثبت بالایی که دارد از مقبولیت منفی کمتری برخوردار بوده و به نظر می‌رسد بر اساس الگوی گارسس، کفایت و مقبولیت ترجمه مجتبی با محوریت ترجمه معنایی بیشتر از دو ترجمه آزاد صفارزاده و وفادار فولادوند باشد.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۰ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۳. جواهری، محمد حسن (۱۳۷۸)، «ابهام‌شناسی در ترجمه قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال ۱۴، شماره ۵۳، صص ۱۸۷-۲۰۱.
۴. جوهری، محمدبن حماد (۲۰۰۹)، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)، قاهره: دارالمحدیث.
۵. زمخشری، محمودبن عمر (۲۰۰۹)، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقاولیل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالمعرفة.
۶. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن کریم، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر.
۷. صیادانی، علی؛ اصغرپور، سیامک؛ خیراللهی، لیلا (۱۳۹۶)، «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان دل شب بر اساس الگوی گارسس»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۷، شماره ۱۶، صص ۸۸-۱۱۸.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۹. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۱۴ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالفکر.
۱۰. طبری، محمدبن طبری (بی‌تا)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۱۱. طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. فرزانه، شهین (۱۳۸۷)، ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین بر اساس مدل گارسس (۱۹۹۴)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
۱۳. فولادوند، محمدمهدی (۱۳۹۵)، ترجمه قرآن کریم، تهران: پیام عدالت.
۱۴. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۹۹۸)، القاموس المحیط، دمشق: دارالرسالة.
۱۵. مجتبی، جلال‌الدین (۱۳۷۲)، ترجمه قرآن کریم، تهران: کیهان اندیشه.
۱۶. مختاری اردکانی، محمدعلی (۱۳۷۶)، «چارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه»، فصلنامه مترجم، شماره ۲۵، صص ۵۰-۵۸.
۱۷. منافی اناری، سالار (۱۳۸۳)، «ترجمه زبان‌شناختی و تطبیق فرهنگی»، نشریات علمی دانشگاه علامه طباطبایی، دوره ۸، شماره ۲۲، صص ۴۳-۶۶.
۱۸. نیومارک، پیتر (۱۳۷۲)، دوره آموزش فنون ترجمه، ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان، تهران: رهنما.
19. Garcés, Carman Valero (1994), *A methodological proposal for the assessment of translated literary works*, Babel, 40: 277-120.
20. House, Juliane (1997), *Translation: a moedel revisted*, Tubingen: Gunter Narr.